

دوفصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ نگری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهراء
سال بیست و دوم، دوره جدید، شماره ۹، پیاپی ۹۲، بهار و تابستان ۱۳۹۱

اهمیت تاریخی دیوان لغات ترک محمود کاشغری

مجتبی خلیفه^۱

تاریخ دریافت: ۹۱/۵/۲۰

تاریخ تصویب: ۹۱/۷/۱۶

چکیده

سده‌ی چهارم هجری آغاز حاکمیت یافتن فرمان‌روایان ترک در سرزمین‌های اسلامی بود. حاکمیت ترکان در جهان اسلام در سده‌ی پنجم به حدی گسترش یافت که هم‌زمان چندین دولت قدرتمند ترک نواحی شرقی قلمرو خلافت عباسی را بین خود تقسیم کرده بودند: قراخانیان در بخش‌های وسیعی از ماوراءالنهر، غزنویان در شرق خراسان و غرب هندوستان و سلجوقیان در ایران، آناتولی و شام. از بین این دولت‌ها قراخانیان نگارش به زبان ترکی را به شدت تشویق کردند. از آثار نگارش یافته در سده‌ی پنجم در قلمرو قراخانیان و تحت حمایت آن‌ها، کتاب دیوان لغات الترمک نوشته‌ی محمود کاشغری بود. این لغت‌نامه‌ی ترکی-عربی به زبان رایج علمی آن زمان، یعنی عربی نگارش یافته است. این نوشتار در پی مشخص کردن اهمیت و ارزش این اثر از بعد تاریخی است؛ از این رو اهمیت دیوان لغات ترک برای تاریخ میانه‌ی ایران، به‌ویژه دوره‌ی ترکان بررسی شده

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه بیرجند. khalife_m@yahoo.com

است. همچنین، در این نوشتار نقش ترکان در اقتصاد و تجارت ماوراءالنهر و جاده‌ی ابریشم براساس دیوان لغات ترک به دقت بررسی شده است.

واژه‌های کلیدی: محمود کاشغری، دیوان لغات ترک، اهمیت تاریخی دیوان، تجارت جاده‌ی ابریشم.

۱. مقدمه

سده‌های چهارم و پنجم هجری دوران حاکمیت یافتن دولت‌های ترک بر بخش‌های وسیعی از قلمرو خلافت اسلامی، به‌ویژه بخش‌های شرقی آن است؛ دولت‌های قدرتمند و برجسته‌ای مانند قراخانیان، غزنویان و سلجوقیان. تعامل این دولت‌ها با مردمان تحت حاکمیت خود و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری آن‌ها بر هم از ویژگی‌های مهم آن دوران است. هرچند دولت‌های ترک بیشتر ویژگی‌های مردمان تحت حاکمیت خود، از جمله دیوان‌سالاری آن‌ها را اخذ کردند، تأثیرات دامنه‌داری نیز در آن سرزمین‌ها برجای گذاشتند. یکی از مسائل مهمی که ترکان با آن مواجه بودند، زبان آن‌ها بود. با گسترش قلمرو ترکان، زبان ترکی در معرض زبان‌های عربی و فارسی قرار گرفت. بنابراین از یک‌سو نیاز به آشنایی مردمان ساکن قلمرو ترکان با زبان ترکی و از سوی دیگر و به‌دلیلی مهم‌تر، یعنی تهدید این زبان از سوی زبان‌های یادشده، نیاز به مکتوب کردن میراث‌های زبان ترکی از همان آغاز نمایان شد. قراخانیان حاکم بر ماوراءالنهر نقش مهمی در حمایت از زبان و ادبیات ترکی و نگارش آثاری در این زمینه ایفا کردند. از مهم‌ترین آثار نگارش‌یافته در دربار قراخانیان درباره‌ی زبان و ادبیات ترکی، *دیوان لغات ترک* اثر محمود کاشغری است.

به‌واسطه‌ی حضور ترکان در نقاط مختلف جهان اسلام و ارتباط زبان ترکی با زبان‌های فارسی و عربی، به‌دلایلی از جمله آشنایی مردمان ساکن قلمرو ترکان با زبان ترکی و نیز حفظ زبان، فرهنگ و میراث ترکان، *دیوان لغات ترک* به نگارش درآمد. از آنجا که طی نیمه‌ی دوم سده‌ی پنجم هجری، یعنی دوره‌ی اوج حاکمیت ترکان، با فقدان منابع تاریخ‌نگارانه روبه‌رو هستیم، *دیوان*

لغات ترک علاوه بر بعد زبان‌شناسی آن، به لحاظ تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ترکان از اهمیت خاصی برخوردار است. پیش از این محقق ترک‌پژوه، سیدمهدی جوادی، در اثری به بررسی ویژگی‌های مختلف دیوان لغات ترک، از جمله ویژگی‌های تاریخی آن پرداخته است (ر.ک: جوادی، ۱۳۹۰ و ۱۳۸۵). نگارنده سعی دارد در این نوشتار بیشتر به مطالبی بپردازد که تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است. بنابراین، اهمیت اثر محمود کاشغری را برای تاریخ میانه‌ی ایران، به‌ویژه دوره‌ی حکمرانی ترکان، به‌لحاظ مباحث تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و دیوانی بررسی کرده است.

۲. کاشغری و زمان او

محمود کاشغری زبان‌شناس و ترک‌شناس مشهور سده‌ی پنجم هجری و مؤلف دیوان لغات ترک بود. در صفحه‌ی نخست تنها نسخه‌ی خطی باقی‌مانده از اثر کاشغری، نام کامل وی محمود بن حسین بن محمد کاشغری ذکر شده است (Akalin, 2008: 49). از سال تولد او اطلاعی در دست نیست؛ همچنان‌که اطلاعات ما درباری زندگی‌نامه‌ی کاشغری نیز بسیار اندک و برگرفته از اطلاعات ناچیز و پراکنده‌ای است که وی در چند جای دیوان لغات ترک آورده است. در اینکه محمود کاشغری اهل ماوراءالنهر بوده است، شکی نیست؛ اما در مورد زادگاه وی اندکی تردید وجود دارد. زمانی که کاشغری از روستای اُبل^{۱۰} (پال کنونی) یاد می‌کند، آن را روستایی مربوط به ناحیه‌ی خودش، یعنی کاشغر ذکر می‌کند (کاشغری، ۱۳۳۳: ۱/ ۷۰). در جایی دیگر هم برسغان را «زادگاه پدر محمود» دانسته است (همان: ۳/ ۳۰۸). بر همین اساس، اغلب پژوهشگران وی را اهل برسغان دانسته‌اند (Hazai, 1978: 4/ 699; Akün, 2002: 25). فقط ذکی ولیدی طوغان (کاشغری، ۱۳۸۴: ۲۵-۲۶) اشاره‌ی کاشغری به «هی مدینه منها ابو محمود» (کاشغری، ۱۳۳۳: ۳/ ۳۰۸) در مورد شهر برسغان را در اشاره به پدر سلطان محمود غزنوی، سبکتکین، دانسته است؛ زیرا در پندنامه سبکتکین (شبانکاره‌ای، ۱۳۶۳: ۳۷) پدر سبکتکین نیز از قبیله‌ی «برسخانیان» دانسته شده است. این احتمال هست که محمود کاشغری و سبکتکین، هر دو، اهل برسغان و منسوب به طایفه‌ی برسغانیان بوده باشند. به‌استناد منابع، پیش از حاکمیت ترک‌ها بر برسغان، آن شهر در اختیار

ایرانیان و فارس‌زبانان بوده است (گردیزی، ۱۳۶۳: ۵۶۴؛ شبانکاره‌ای، ۱۳۶۳: ۳۷). مردم ترکستان براساس روایت‌های عامیانه‌ی خود، محمود کاشغری را اهل آپال واقع در پنجاه کیلومتری غرب کاشغر می‌دانند؛ جایی که مقبره‌ی کاشغری، مادرش بی‌بی رابعه و پدرش خواجه سیف‌الدین هم در آنجا قرار دارد (کاشغری، ۱۳۷۵: ۱۷-۱۸). چنان‌که خود کاشغری گفته است، جد وی به نام امیرتکین (خمیرتکین) سرزمین‌های ترکان (ماوراءالنهر) را از دست سامانیان خارج کرده بود (کاشغری، ۱۳۳۳: ۱/ ۱۰۲)؛ از این رو محمود کاشغری از سلاله‌ی سلاطین قراخانی به‌شمار می‌آید. پژوهش‌های املجان پری‌تساک درباره‌ی اصل و نسب کاشغری مورد توجه نویسندگان دیگر قرار گرفته است. از نظر او، جد کاشغری یا بغراخان هارون بن سلیمان قراخانی است که در سال ۳۸۲ق پایتخت سامانیان را از دست آن‌ها درآورد و یا ارسلان ایلیک نصرین علی که در ۳۸۹ق به کمک محمود غزنوی به حکومت سامانیان خاتمه داد. پری‌تساک براساس شواهد سکه‌شناسی به این نتیجه رسیده است که لقب شمس‌الدوله ارسلان ایلیک- که بر روی سکه‌های ضرب برسغان لقب حسین بن محمد چغری تکین حاکم برسغان بوده- به احتمال زیاد از آن پدر محمود کاشغری است (Pritsak, 1981: 243-44). بدین ترتیب، محمود پسر حسین حاکم برسغان، حسین هم فرزند محمد بغراخان بن یوسف حاکم طراز و اسپبجاب و او نیز فرزند یوسف قدرخان بن قلیچ بغراخان هارون بوده است (Ibid, 244; Akalin, 2008: 49).

کاشغری از شیخ امام زاهد حسین بن خلف کاشغری، یکی از استادانش، یاد کرده است (کاشغری، ۱۳۳۳: ۱/ ۲۹۳). براساس این، می‌توان حدس زد که دوران تحصیل وی در کاشغر و ماوراءالنهر سپری شده باشد و به احتمال زیاد، در خدمت ملوک خاقانیه (قراخانیان) که خود نیز از خاندان‌های برگزیده‌ی آن‌ها بوده، روزگار می‌گذرانده است.

۳. دیوان لغات ترک

کاشغری صاحب دو اثر بوده است: نخست کتاب *جواهر النحو فی لغات التترک* (همان: ۲۴) که در آن به تفصیل درباره‌ی ویژگی‌های نحوی زبان ترکی سخن گفته است؛ ولی امروز در دست نیست. دوم کتاب *دیوان لغات التترک* که آن را پس از *جواهر النحو* نگاشته و قدیم‌ترین فرهنگ زبان

ترکی است. وی برای نگارش این اثر به سراسر سرزمین‌های ترکان سفر کرد و با لهجه‌ها و گویش‌های طوایف مختلف ترک از جمله ترکمن، اُغز، چِگَل، یغما و قرقیز آشنا شد (همان: ۳). *دیوان لغات ترک* لغت‌نامه‌ی زبان‌های ترکی است که به عربی نگارش یافته است. در این اثر حدود ۳۰۰ ضرب‌المثل و ۲۴۰ قطعه شعر (بیت و رباعی) ذکر شده است. همچنین درباره‌ی ساختار زبان ترکی و دستور آن و نیز نحوه‌ی زندگی و آداب و رسوم، تاریخ و جغرافیای ترکان مطالبی ذکر شده است.

اهمیت *دیوان لغات ترک* در این است که نخستین و قدیم‌ترین لغت‌نامه و دستور زبان ترکی و گلچینی ادبی از این زبان است (Ka garli Mahmut, 1970: 9). کاشغری در پایان دیوان، سال شروع تألیف را جمادى‌الاول ۴۶۰ و پایان آن را پس از چهار بار بازنویسی و تصحیح جمادى‌الآخر ۴۶۶ ذکر کرده است (کاشغری، ۱۳۳۵: ۳/۳۳۳). معلم بیلگه رفعت نخستین مصحح کتاب نیز در مقاله‌ای با بررسی دقیق خود این سال را تدیید کرده است (Bilge, 1939: 359-60). قدیمی‌ترین جایی که در آن از *دیوان لغات ترک* یاد شده، کشف‌الظنون نوشته‌ی حاجی خلیفه در سده‌ی یازدهم هجری است (حاجی خلیفه، ۱۳۸۷: ۱/۸۰۸).

کاشغری اثر خود را در هشت کتاب گرد آورده است: کتاب الهمزه، کتاب السالم، کتاب المضاعف، کتاب المثال، کتاب ذوات الثلاثه، کتاب الذوات الاربعه، کتاب الغنه و کتاب الجمع بین الساکنین. فصل‌بندی کتاب نیز حاکی از آن است که ساختار کتاب کاملاً براساس ساختار زبان عربی است. در هر فصل نیز افعال را از اسامی جدا کرده، ابتدا اسامی و سپس افعال را شرح داده است. وی در شرح لغات ترکی، قواعد صرف و نحو عربی را مورد نظر داشته است (ر.ک: کاشغری، ۱۳۷۵: شش). کاشغری کتاب خود را به خلیفه المقتدر بامرالله ابوالقاسم عبدالله بن محمد تقدیم کرده است (کاشغری، ۱۳۳۳: ۳/۳-۴). بر همین اساس، کوپرلی‌زاده گفته که او اثرش را در بغداد نگاشته است (کوپرلی‌زاده، ۱۹۲۶: ۲۲۴). بسیم آتالای نیز معتقد است کاشغری کتاب را در کاشغر یا شهری در آن ناحیه نگاشته و سپس به بغداد رفته و آن را به خلیفه تقدیم کرده است (Ka gar Mahmud, 1985: XV). کوپرلی دلیل نگارش کتاب را گسترش نفوذ ترکان در جهان اسلام دانسته است که صحیح به نظر می‌رسد؛ اما از سوی دیگر، گسترش قلمرو ترکان زبان و

فرهنگ آن‌ها را نیز در معرض فرهنگ و زبان ایرانی-عربی قرار می‌داد که زبان مسلط قلمرو آن‌ها و زبان دیوان‌سالاری محسوب می‌شد؛ بنابراین از این حیث نیز نگارش چنین اثری به حفظ میراث زبان ترکی کمک می‌کرد.

از دیوان لغات ترک فقط یک نسخه‌ی خطی باقی مانده که در سال ۶۶۴ق توسط محمد بن ابی‌بکر بن ابی‌الفتح ساوی دمشقی از روی نسخه اصلی به خط مؤلف به تاریخ ۴۶۶ق استنساخ شده است (Akalin, 2008: 43-44). این نسخه متعلق به محمد بن احمد بن سلیمان انصاری دمشقی دارانی بوده است (Bilge, 1939: 355). به عقیده‌ی بسیم آتالای محمد بن ابی بکر ساوی، به دلیل آشنایی اندک به زبان‌های عربی و ترکی، اعراب‌گذاری واژه‌ها را به درستی رعایت نکرده است (Ka garlMahmud, 1985: XVI-XVII). نخستین بار این اثر را معلم بیلگه رفعت طی سال‌های ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۵ق در سه جلد در دارالخلافة‌ی العلیه استامبول با الفبای عربی به چاپ رساند که تاکنون نیز با وجود برخی ضعف‌هایش، بهترین چاپ است. بسیم آتالای نیز کتاب را در سه جلد با فهرست کاملی در جلد چهارم به الفبای ترکی استامبولی منتشر کرد و مقدمه‌ی مفصلی بر آن نگاشت. امروزه، دو ترجمه‌ی فارسی از دیوان لغات ترک در دست است: بخش اسامی آن را- که توسط بروکلیمان استخراج شده و به چاپ رسیده بود- محمد دبیرسیاقی در سال ۱۳۷۵ به فارسی منتشر کرد. ترجمه‌ی کامل و بهتر آن را نیز حسین محمدزاده صدیق به فارسی در سال ۱۳۸۴ انجام داد. رابرت دانکوف و جیمز مک‌کلی نیز طی سال‌های ۱۹۸۲-۱۹۸۵م کتاب را در سه جلد به انگلیسی ترجمه کردند. این کتاب به زبان‌های ازبکی، اویغوری و قزاقی هم ترجمه شده است (کاشغری، ۱۳۸۴: ۱۴-۱۹).

۴. اهمیت تاریخی دیوان لغات ترک

دیوان لغات ترک اثری ارزشمند برای بررسی پیشینه و مسکن اولیه‌ی ترکان در ماوراءالنهر و فرهنگ و آداب و رسوم آن‌هاست. کاشغری ترک‌ها را بیست قبیله دانسته که نسب آن‌ها به «ترک بن یافث بن نوح» می‌رسیده است. این طوایف عبارت بودند از: پچنگ، قفچاق، اُغز، یماک، بشغرت، بَسمل، قای، یاقو، تثار، قرقز، چِگِل، تُخسی، یغما، اُغراق، جُرُق، جُمَل، اُیغُر، تنگت،

ختای و تفقاج. کاشغری ترکمانان اغز را شامل ۲۲ طایفه دانسته و نام همگی آن‌ها را به همراه طغرایشان ذکر کرده است. برترین آن‌ها نیز طایفه‌ی قینق بوده است که سلجوقیان هم جزء این طایفه بوده‌اند (کاشغری، ۱۳۳۳: ۱/ ۲۷-۲۸ و ۵۶-۵۷). به گفته‌ی کاشغری، در ابتدا اغز دارای ۲۴ طایفه بوده است؛ اما دو طایفه از آن‌ها جدا شد و تفاوت‌هایی با دیگر طوایف پیدا کرد؛ به همین دلیل از آن پس آن دو طایفه به «خلج» شهرت یافتند (همان: ۳/ ۳۰۶-۳۰۷). به همین دلیل نیز ترکان خلج را در زمره‌ی ترکمانان اغز به‌شمار نیاورده است. کاشغری در اثر خود فقط به نام «سلجک» ملقب به سوباشی (سرکرده‌ی سپاه)، جد سلاطین سلجوقی زمان خود اشاره کرده؛ اما معنای آن را ذکر نکرده است (همان: ۱/ ۳۹۷). کاشغری به‌طور مستقیم از سلجوقیان سخنی نگفته (نکته‌ای که شاید به پیوند وی با قراخانیان مرتبط بوده باشد)؛ اما اینکه او بخش زیادی از مطالب خود را چه به‌لحاظ زبان‌شناسی چه در مورد ذکر طوایف مختلف اغز به ترکمانان اغز یا چنان‌که خود ذکر کرده «فرق و بطون» اغز اختصاص داده است، می‌تواند ناشی از اهمیت سلجوقیان و بالا گرفتن کار آن‌ها باشد (ر.ک: کاشغری، ۱۳۳۳: ۱/ ۵۶-۵۸ و ۱۳۳۵: ۳/ ۳۰۴-۳۰۷).

کاشغری علاوه‌بر اینکه درباره‌ی زبان‌های ترکی و گویش‌های مختلف آن مواردی را بازگو کرده است، اطلاعات ارزشمندی درباره‌ی دیگر زبان‌های غیرترکی از جمله زبان‌های خنتی و سغدی نیز آورده است. وی فصیح‌ترین گویش ترکی زمان خود را مربوط به خاقانیه یا قراخانیان دانسته است؛ با این حال معتقد است مردم بلاساغون، طراز و بیضاء (= اسپیجاب) هم به ترکی و هم به سغدی سخن می‌گفته‌اند (همان: ۱/ ۳۰-۳۱). کاشغری در توضیح واژه‌ی «سُغداق» می‌نویسد این واژه به سغدیانی اطلاق می‌شد که از بخارا و سمرقند به بلاساغون آمده در آنجا ساکن شده‌اند و رفتار و آدابشان به ترکان گراییده است (همان: ۳۹۱-۳۹۲). نکاتی از این دست حضور سغدیان و زبان سغدی را تا سده‌ی پنجم هجری در اقصی نقاط ماوراءالنهر تا مرزهای چین تأیید می‌کند؛ به‌طوری که تأثیر آن‌ها بر زبان ترکی نیز مشخص است؛ اما کاشغری به ذکر این نکته چندان تمایلی نشان نمی‌دهد؛ چنان‌که واژه‌ی «کند» را واژه‌ای ترکی به‌معنای شهر دانسته است (همان: ۲۹۸)؛ درحالی که «کند» واژه‌ای سغدی است (قریب، ۱۳۷۴: ۱۹۰) که ترک‌ها از زبان سغدی وام گرفته‌اند. یا در تعریف معنای بَیرَم (عید) هرچند اشاره می‌کند که در قدیم ترک‌ها این‌گونه عیدها

را نداشته‌اند (کاشغری، ۱۳۳۳: ۳/۱۳۳)، به هیچ وجه نمی‌گویند که مراسم عید نوروز را از ایرانیان اخذ کرده‌اند و کمتر به ریشه و پیشینه ایرانی و فارسی واژه‌ها اشاره می‌کند. حتی آن‌گونه که محقق برجسته، صادقی، هم اشاره کرده است، کاشغری در جای‌جای اثر خود لغات فارسی و عربی موجود در زبان ترکی را حذف کرده و ریشه‌ی فارسی واژه‌ها را نادیده گرفته است (صادقی، ۱۳۸۳: ۳۸۱-۳۸۳).

باورها و عقاید ترکان پیش از گرایش آن‌ها به آیین اسلام و آنچه با عنوان «شمینسم» از آن یاد می‌شود، تقویم و گاه‌شماری حیوانی به‌کاررفته توسط ترکان و ویژگی‌های مربوط به آن نیز به‌خوبی در اثر کاشغری نمایان است. به‌باور ترک‌ها، در هر سال اتفاق خاصی رخ می‌داده؛ برای مثال جنگ‌ها اغلب در سال گاو اتفاق می‌افتاده است. همچنین به نوشته‌ی وی، در میان ترکان روزهای هفته نام نداشته است؛ اما با آشنایی با اسلام نام‌گذاری روزها نزد آن‌ها مرسوم شده است (کاشغری، ۱۳۳۳: ۱/۲۹۰، ۳۰۵، ۳۷۷ و ۳/۱۷۴).

در *دیوان لغات ترک* نکات تاریخی ارزشمندی وجود دارد؛ از جمله کاشغری با ذکر داستانی تاریخی - اسطوره‌ای، تُرکمان را به‌معنای «ترک‌مانند» ذکر کرده است (همان: ۱/۳۰۴-۳۰۷). ذکر این نکته ضروری است که درباره‌ی معنای واژه‌ی «ترکمان» بین محققان اتفاق نظر وجود ندارد و تاکنون نظرهای مختلفی درباره‌ی این واژه بیان شده است. چند دهه پیش از کاشغری، ابوریحان بیرونی نیز واژه‌ی ترکمان را به‌معنای ترک‌مانند آورده و آن را در مورد ترکانی که به دین اسلام گرویده بودند به‌کار برده است (بیرونی، ۱۳۷۴: ۳۳۳). رشیدالدین فضل‌الله همدانی نیز مثل کاشغری، ترکمان را به‌معنای ترک‌مانند دانسته است (همدانی، ۱۳۷۳: ۱/۵۵). در *دیوان لغات ترک*، داستان‌های زیادی نیز درباره‌ی اساطیر ترکان از جمله افراسیاب و خاندانش ذکر شده است (ر.ک: کاشغری، ۱۳۳۳: ۱/۴۴، ۲۹۳، ۲۹۶ و ۳/۱۱۰ و ۳۰۸). کاشغری به ازدواج سیاوش با قاز، دختر افراسیاب، و کشته شدن وی در شهر ینگند نزدیک بخارا اشاره کرده و آورده است که تا سده‌ی پنجم هجری، در سالروز مرگ سیاوش زرتشتیان در محل کشته شدن وی گردهم می‌آمده و به قربانی کردن و ریختن خون بر مزار او و عزاداری می‌پرداخته‌اند (همان: ۳/۱۱۰-۱۱۱). وی

شهر اینج کند را در ماوراءالنهر جایگاه طرفداران المقنع ذکر کرده که در عصر وی ویران شده بود (همان: ۳۲۳).

از آنجا که کاشغری به خاندان قراخانیان تعلق داشته و سالیان طولانی در قلمرو آنها زیسته است، از این رو اثرش منبعی دست‌اول برای دوره‌ی قراخانیان به‌شمار می‌آید و در آن اطلاعات مفیدی درباره‌ی آنها هست. برای نمونه *دیوان لغات ترک* منبع مهمی برای بررسی جنگ‌های قراخانیان مسلمان با دیگر طوایف ترک غیرمسلمان ماوراءالنهر و آن سوی جیحون است. این جنگ‌ها به‌صورت غزا و جهاد با کفار صورت می‌گرفت و کاشغری همین ویژگی قراخانیان را ستوده و حتی اشعاری در مدح جنگاوری آنها با ترکان کافر آورده است (همان: ۱/ ۱۰۳؛ ۳/ ۱۷۳).

دیوان لغات ترک اثری ارزشمند برای فهم معنای اعلام خاص ترکی است؛ از جمله الب: شجاع؛ ایل: ولایت، صلح؛ اُلغ: بزرگ؛ ارغون: جانوری کوچک همچون موش؛ التون: طلا؛ انال یا ینال: نام فردی که مادرش خاتون و پدرش فردی عادی باشد؛ (گفتنی است که ابراهیم ینال - برادر ملک طغرل سلجوقی که از سوی مادر برادر طغرل به‌شمار می‌آمد - نیز به همین دلیل لقب ینال داشته است.) چغری: نوعی پرنده‌ی شکاری؛ تکین: برده؛ قراقش: عقاب، ستاره‌ی مشتری؛ تنگری: خداوند؛ سُنُقَر: پرنده‌ی شکاری؛ طغریل: پرنده‌ی شکاری؛ آرسلان: شیر؛ برسلان: ببر؛ جَنگشی: نام امیر ختن، دگرگون‌شده‌ی جمشید؛ تتار: قومی از ترکان؛ اینج: موقر، متین؛ قاتون (خاتون): نامی برای دختران افراسیاب؛ اراموت: قومی از ترکان نزدیک اویغور (همان: ۱/ ۴۴، ۴۹-۵۰، ۶۲، ۱۰۳، ۱۰۸-۱۱۰، ۳۱۷، ۳۴۴، ۳۴۶، ۳۵۲ و ۳/ ۱۶۷، ۲۷۸، ۲۸۲، ۲۷۹، ۳۰۴، ۳۰۹، ۳۲۳).

از آنجا که کاشغری، خود، اشاره کرده که برای تدوین *دیوان لغات ترک* و گردآوری اطلاعات لازم برای آن به سیر و سیاحت در سرزمین‌های ترکان پرداخته است (همان: ۱/ ۳)؛ بنابراین اثرش حاوی اطلاعات مفیدی درباره‌ی جغرافیای مناطق مختلف سکونت ترکان است و برای پی بردن به معنا و گاه محل دقیق نام‌های جغرافیایی بی‌نظیر است؛ برای مثال *أیغُر*: ولایتی با پنج شهر به نام‌های *سُلَمی*، *قوجو*، *جَنبَلِق*، *بیش بَلِق* و *یَنگی بَلِق*؛ *بَلِق*: شهر، قلعه؛ *أبَل*: روستایی نزدیک کاشغر (زادگاه پدر کاشغری)؛ *أتل*: رودی در سرزمین *قبچاق* که به دریای *بلغار* می‌ریزد؛

(گفتنی است که اتل نام معروف‌ترین شهر قلمرو خزران هم بوده است)؛ اشجان: شهری بر سر راه چین؛ اُتوکان: ناحیه‌ای در صحراهای ناحیه‌ی تاتار نزدیک اویغور؛ ولایت تَنگت (تانقوت): نزدیک چین؛ بُت: قومی پرجمعیت از ترکان که در سرزمین آن‌ها مشک یافت می‌شود و در اصل پیشینه‌ی آن‌ها به مهاجران یمنی بازمی‌گردد؛ تَفغاج: چین علیا (درکل، چین را به سه بخش تقسیم می‌کنند: ۱. چین علیا در شرق، ۲. چین وسطا یا ختای، ۳. چین سفلی یا بُرخان که همان کاشغر بوده است)؛ یغما: قومی از ترکان و نیز نام روستایی نزدیک طراز؛ تَلَس: شهری در سرحد اسلام معروف به طراز (همان: ۱/ ۷۰، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۲۳، ۲۰۶، ۲۵۸، ۳۰۶، ۳۷۸ و ۲۵-۲۶).

به دلیل حاکمیت قراخانیان و نیز براساس کتاب کاشغری، شهر کاشغر مهم‌ترین شهر قلمرو قراخانیان در سده‌ی چهارم و پنجم هجری بوده است و به همین دلیل، حضور فرمانروایان قراخانی در آنجا «اردوکنند»، به معنای شهر اردو، نامیده می‌شده است (همان: ۱/ ۱۱۲). از این حیث، اطلاعات کاشغری درباره‌ی شهرهای قلمرو قراخانیان و به‌ویژه همسایه‌ی آن‌ها، چین جنوبی، بسیار ارزشمند است.

در دیوان لغات ترک اشاراتی گذرا، اما دقیق و قدیمی درباره‌ی قلمرو مغول‌ها و قوم مغول دیده می‌شود؛ از جمله اصطلاح «طمغاج» که در متون دوره‌ی مغول به کار رفته (ر.ک: نسوی، ۱۳۶۵: ۳۲۸؛ جوزجانی؛ ۱۳۶۶: ۴۳۴؛ جوینی، ۱۹۱۱: ۱/ ۱۵)؛ اما نه در منابع و نه نزد مغول‌شناسان، بر سر معنای این اصطلاح و جایگاه دقیق آن اتفاق نظر وجود ندارد. در دیوان لغات ترک به صورت تفغاج آمده و بر بخشی از چین (چین علیا) در شرق اطلاق شده است. به گفته‌ی کاشغری، تفغاج ماچین نامیده می‌شده است و تیره‌ای از ترکان که به «تت تفغاج» مشهور بوده‌اند، در آنجا زندگی می‌کرده‌اند (همان: ۱/ ۳۷۸). همچنین، او تتار را قومی از ترکان ذکر کرده و از ناحیه‌ی اُتوکان در صحرای منطقه‌ی تاتار نزدیک اویغور و مناطقی دیگر مربوط به مغولان (گاه بی‌آنکه از آن‌ها نام ببرد) یاد کرده است (همان: ۱/ ۱۲۳-۱۲۴ و ۳۴۴).

دیوان لغات ترک اطلاعات پراکنده‌ای از مناسبات قراخانیان با دولت‌های همجوار آن‌ها از جمله سامانیان و غزنویان دارد. نویسنده‌ی کتاب از درگیری‌های قراخانیان با سامانیان و تصرف بخش‌هایی از ماوراءالنهر به دست آن‌ها در پی پیروزی بر سامانیان خبر داده است (همان: ۱/ ۱۰۲).

او غیرمستقیم به مناسبات خویشاوندی میان غزنویان و قراخانیان اشاره کرده است. به نوشته‌ی او، محمود دختر خاقان قراخانی را برای پسر خود مسعود خواستگاری کرده و بین آن دو خاندان ازدواجی صورت گرفته بود. بیهقی نیز با تفصیل بیشتری به این رویداد اشاره کرده است (همان: ۱/ ۳۹۴؛ بیهقی، ۱۳۵۰: ۵۴۷-۵۵۰).

دیوان لغات ترک منبعی موثق برای اصطلاحات تجاری و کالاهای بازرگانی و نیز نقش ترکمانان اغز در فرایند تجاری آن ناحیه به شمار می‌آید. اغلب ترکمانان اغز به پیشه‌ی دامداری و پرورش دام مشغول بوده‌اند. آن‌ها به دام‌هایشان معروف بوده و هر تیره از آن‌ها نیز گله‌های مخصوص خود را داشته‌اند که از روی نشانی که بر آن‌ها زده می‌شد، از هم قابل تشخیص بودند (همان: ۱/ ۵۶-۵۷). غزها فقط به پرورش دام معروف نبودند؛ بلکه به تولید محصولات دامی نیز مشهور بودند. یکی از اصلی‌ترین تولیدات غزها در ماوراءالنهر «نمد» بود. آن‌ها در تولید نمد مهارت ویژه‌ای داشته و نمدهایی رنگ‌آمیزی شده با نقش و نگارهای زیبا به شکل پوست پلنگ تولید می‌کرده‌اند. تولید نمد در سراسر قلمرو ترکان در ماوراءالنهر تا حدود کاشغر صورت می‌گرفته و معروف‌ترین نوع نمد تولید کاشغر «کِمِشکا» نام داشته است (همان: ۱/ ۴۰۶).

ترکمانان واژه‌ی «سرت» را برای بازرگان به کار می‌برده‌اند (همان: ۱/ ۲۸۶) که برگرفته از زبان سغدی و مردمان سغد بود که در تجارت جاده‌ی ابریشم در دوره‌ی باستان نقشی اساسی برعهده داشتند. ترکان به خوبی با مسیرهای تجاری آشنایی داشتند. آن‌ها برای جلوگیری از گم کردن راه در بیابان‌های ماوراءالنهر توسط کاروان‌ها، توده‌هایی از سنگ برپا می‌کردند تا به عنوان نشانه‌ی راه مورد استفاده قرار گیرد و به این نشانه‌ها «الّا» می‌گفتند (همان: ۱/ ۸۵). همچنین، در مسیر راه‌های کاروان‌رو آب‌انبارهایی برای تهیه‌ی آب کاروان‌ها تعبیه می‌کردند که به آن‌ها «میان‌لُق» می‌گفتند (همان: ۳/ ۱۲۹). اغلب، هنگام ورود کاروانی از چین به قلمرو ترکان مسلمان، فردی به عنوان پیشاهنگ وارد قلمرو ترکان می‌شد و اخبار کاروان‌ها را پیش از رسیدن آن‌ها اعلام می‌کرد (کاشغری، ۱۳۷۵: ۹۶۷). قرار گرفتن قلمرو ترکان اغز در مسیر جاده‌ی ابریشم نه تنها باعث حضور آن‌ها در تجارت شده بود؛ بلکه موجب نفوذ نام کالاهای چینی در زبان ترکی شده بود. از جمله کاشغری به نام بیش از دوازده نوع دیبای چینی مانند آشکرتی، کَز، جَز، بَجَش، کَمَک، کَنری،

تَحَجَّكْ، زُنْگَم و جِحْسَى اشاره کرده که از چین به ماوراءالنهر و قلمرو غزها وارد می شده است (ر.ک: کاشغری، ۱۳۳۳: ۱/ ۱۲۸، ۲۷۳، ۲۷۵، ۳۰۱ و ۳۷۲). کاشغری بقیر را نام پول رایج برای معاملات تجاری در چین ذکر کرده است (همان: ۱/ ۳۰۱). به نوشته وی، اُرتُق به معنای شریک و اَغْرُق به معنای کالای تجاری بوده است (همان: ۱/ ۹۰-۹۱). بعدها در دوره ایلخانان، واژه اُرتاق به معنای شرکای تجاری به میزان زیادی رواج یافت و به نظامی تجاری تبدیل شد. در اثر کاشغری می توان به تجارت قلمرو ترکان با هندوستان و ورود کالاهای هندی به ماوراءالنهر نیز پی برد (همان: ۱/ ۱۲۳).

اصطلاحات دیوانی نیز در دیوان لغات ترک به چشم می خورد. این اصطلاحات بعدها در دوره مغول و حاکمیت ایلخانان کاربرد بیشتری یافت و به راحتی می توان ریشه آن‌ها را در اثر کاشغری به دست آورد؛ از جمله اَلْمِغَا به معنای کاتبی که نامه‌های سلطان را به ترکی می نوشته است (همان: ۱/ ۱۲۷)، ترخان به معنای بیگ (همان: ۱/ ۳۶۴)، تمغا یعنی مهر و نشان سلطان (همان جا)، تفرغ به معنای طغرا و مهر خان (همان: ۱/ ۳۸۵)، یرلغ به ترکی چگلی یعنی منشور سلطان (همان: ۳/ ۳۱) و تیانکو که لقب حاجب خاقان بوده است (همان: ۳/ ۲۸۱). یکی از اصطلاحات دیوانی که در دیوان لغات ترک ذکر شده، تُمَن (تومان) به معنای ده هزار (همان: ۱/ ۳۳۷) است؛ اصطلاحی که در دوره حاکمیت ایلخانان در ایران در دیوان سالاری آن عهد رواجی تام یافت و تا امروز نیز در زبان فارسی پایدار مانده است.

۵. نتیجه گیری

هرچند دیوان لغات ترک اثری تاریخنگارانه به شمار نمی آید، به دلیل خصلت دانشنامه‌ای بودنش حاوی اطلاعات مفید و ارزشمندی درباره‌ی مباحث تاریخی و مباحث مرتبط با آن است. پرداختن به برخی رویدادهای تاریخی خلال ذکر معنای واژه‌ها، توضیحات جغرافیایی درباره‌ی اسامی مکان‌ها، ذکر معانی اسامی خاص و گاه ذکر وجه تسمیه‌ی دقیق نام‌ها، پرداختن به فرهنگ عامه، ریشه‌یابی برخی لغات و عبارات، ذکر ضرب‌المثل‌ها و امثال و حکم رایج در زبان ترکی، اصطلاحات دیوانی و غیره از ویژگی‌های مهم این اثر است. چون کاشغری فردی ترک‌زبان و

آگاه به گویش‌ها و آداب و رسوم تیره‌های مختلف ترک بوده و از نزدیک به سراسر قلمرو ترکان سفر کرده بود، اطلاعاتش از اهمیت بیشتری برخوردار است.

دیوان لغات ترک علاوه بر اشارات گذرا به تحولات سیاسی ماوراءالنهر در عهد حاکمیت ترکان، نشان‌دهنده‌ی نقش برجسته‌ی ترکان در تجارت و اقتصاد ماوراءالنهر و حضور جدی آن‌ها در تجارت جاده‌ی ابریشم است. نیز ترسیم جغرافیای تاریخی قلمرو ترکان یکی از ویژگی‌های مهم اثر کاشغری است. ریشه‌ی اصطلاحات دیوانی و نظامی به‌کاررفته در دوره‌ی ترکان و تاحدودی مغولان به‌خوبی در اثر کاشغری بازگو شده است. بنابراین، برای نگارش تاریخ حکومتگران ترک، به‌ویژه قراخانیان و جغرافیای تاریخی قلمرو ترکان، اثر کاشغری از اهمیت زیادی برخوردار است. چنان‌که اشاره شد، رگه‌های حضور مغولان در مرزهای ماوراءالنهر را به‌خوبی می‌توان در این اثر پیگیری کرد. بنابراین، دیوان لغات ترک به‌عنوان اثری مکمل در نگارش تاریخ ایران در زمان حاکمیت ترکان، به‌ویژه سده‌های پنجم و ششم هجری دارای اهمیت خاصی است.

منابع

- بیرونی، ابوریحان. (۱۳۷۴). *الجماهر فی الجواهر*. به کوشش یوسف هادی. تهران: نشر میراث مکتوب.
- جوادی، سید مهدی. (۱۳۹۰). *دیوان لغات الترمک محمود کاشغری و اصطلاحات مهم دیوانی آن*. اردبیل: محقق اردبیلی.
- _____ (۱۳۸۵). «بازتاب تاریخ در دیوان لغات الترمک محمود کاشغری». *فصلنامه‌ی تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات*. ش ۴.
- جوزجانی، منہاج سراج. (۱۳۶۶). *طبقات ناصری*. تصحیح عبدالحی حبیبی. تهران: دنیای کتاب.
- جوینی، عظاملک. (۱۹۱۱). *تاریخ جهانگشای جوینی*. تصحیح محمد قزوینی. ج ۱. لیدن: انتشارات بریل.

- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله. (۱۳۸۷ق). *کشف الظنون*. ج ۱. تهران: مکتبه الاسلامیه و مکتبه الجعفری.
- شبانکاره‌ای، محمد. (۱۳۶۳). *مجمع‌الانساب*. تصحیح میرهاشم محدث. تهران: امیرکبیر.
- صادقی، علی اشرف. (۱۳۸۳). «نسخه برگردان دیوان لغات ترک». *نامه‌ی بهارستان*. ش ۱ و ۲. دفتر ۹-۱۰. صص ۳۸۱-۳۸۳.
- کاشغری، محمود. (۱۳۳۳-۱۳۳۵ق). *کتاب دیوان لغات ترک*. ج ۳. تصحیح معلم رفعت. استامبول: مطبه عامره.
- _____ (۱۳۷۵). *نام‌ها، صفت‌ها، ضمیرها و پسوندهای دیوان لغات ترک*. ترجمه‌ی دبیرسیاقی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- _____ (۱۳۸۴). *دیوان لغات ترک*. ترجمه‌ی حسین محمدزاده صدیق. تبریز: نشر اختر.
- قریب، بدرالزمان. (۱۳۷۴). *فرهنگ سغدی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- کوپرلی‌زاده. (۱۹۲۶). محمد فواد *تورک ادبیاتی تاریخی*. استامبول: ملی مطبعه.
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی. (۱۳۶۳). *زین‌الخبار*. چاپ عبدالحی حبیبی. تهران: دنیای کتاب.
- نسوی، شهاب‌الدین محمد زیدری. (۱۳۶۵). *سیرت جلال‌الدین منکبرنی*. تصحیح مجتبی مینوی. تهران: علمی و فرهنگی.
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. (۱۳۷۳). *جامع‌التواریخ*. به کوشش محمد روشن و مصطفی موسوی. ج ۳. تهران: نشر البرز.
- Akalin, ükrü Halük. (2008). *Kaşgarlı Mahmud ve Divanü Lügati i-Türk*. Ankara: Turk Dil Kurumu Yayinlari.
- Akün, F. (2002). "Kaşgarlı Mahmud" in *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi*. Vol. 25. Ankara. Pp. 9-15.
- Bilge, Rifat. (1939). "Diyon لغات ترک ün Başindeki Makale". *Türkiyat Mecmuasi*. Vol. 6. Pp. 355-358.

- _____(1939). "ديوان لغات الترك" in *Türkiyat Mecmuasi*. vol. 6. Pp. 358-360.
- Hazai,G. (1978). "Al-Kashghari" in *Encyclopaedia of Islam*. Vol. 4. Pp. 699-701.
- Ka garli, Mahmud. (1985). *Divanü Lügati i-Türk Tercemesi*. Translated by Besim Atalay. 3Vol. Ankara: Turk Tarih Kurumu.
- _____ (1970). *Divanü Lügati i-Türk*. Edited by Ali Çiçekli. May Yayinlari.
- Pritsak, Omeljan. (1981). "Mahmud Ka garli Kimdir?" in *Studies in Medieval Eurasian History*. London: Variorum Reprints, XVIII. Pp. 243-246.

